

۳۴٪ خنثی



۱۱

زبان انگلیسی

درس نامه

کلیه رشته‌ها



SanjeshCloud

www.SanjeshCloud.ir

Lesson 1

صفحه ۲۸ و ۲۹ کتاب درسی

Grammar

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش Countable and Uncountable Nouns

در زبان انگلیسی دو نوع اسم داریم:

۱. اسامی قابل شمارش: اسم‌هایی هستند که می‌توان شمرد و شکل مفرد و جمع دارند. قبل از اسامی قابل شمارش می‌توانید از **a** ، **an** و اعداد استفاده کنید.

۲. اسامی غیر قابل شمارش: اسم‌هایی هستند که نمی‌توان شمرد و شکل جمع ندارند و همیشه به صورت مفرد به کار می‌روند. پس **s** یا **es** نمی‌گیرند. قبل از اسامی غیر قابل شمارش نمی‌توانید از **a** ، **an** و اعداد استفاده کنید.

اسامی قابل شمارش	اسامی غیر قابل شمارش
a cup یک فنجان	coffee قهوه
an apple یک سیب	fruit میوه
two bottles دو بطری	water آب
ten cows ده گاو	meat گوشت

اسامی غیر قابل شمارش زیر را یاد بگیرید:

water آب	bread نان	advice توصیه
milk شیر	rice برنج	music موسیقی
tea چای	meat گوشت	information اطلاعات
coffee قهوه	sugar شکر	homework تکلیف
juice آب میوه	cheese پنیر	traffic ترافیک
blood خون	fruit میوه	money پول
snow برف	air هوا	news خبر
rain باران	weather آب و هوا	knowledge دانش

● برخی کلمات با توجه به معنی آن‌ها می‌توانند غیر قابل شمارش یا قابل شمارش باشند:

قابل شمارش	time بار، دفعه	chicken چوبه	hair یک تار مو
غیر قابل شمارش	time زمان	chicken گوشت مرغ	hair موی سر کسی

He has black **hair**.

او موهایش سیاه است.

There is **a hair** in my soup.

یک مو در سوپم وجود دارد.

● قبل از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش از صفات کمتی زیر استفاده کنید:

اسامی غیرقابل شمارش + صفات کمتی	
How much information ... ?	چه قدر اطلاعات ؟
much chicken	مقدار زیادی (گوشت) مرغ
a little bread	مقدار کمی نان
little milk	مقدار کمی / اندکی شیر
a lot of sugar	مقدار زیادی شکر
lots of rice	مقدار زیادی برنج
some juice	مقداری آب میوه

اسامی قابل شمارش جمع + صفات کمتی	
How many pens ?	چندتا خودکار ؟
many birds	تعداد زیادی پرنده
a few eggs	تعداد کمی تخم مرغ
few glasses	تعداد کمی / اندکی لیوان
a lot of goats	تعداد زیادی بز
lots of sandwiches	تعداد زیادی ساندویچ
some oranges	تعدادی پرتقال

● بعد از صفات کمتی بالا (ستون اول) همیشه از اسامی غیرقابل شمارش (که همیشه به صورت مفرد هستند) به همراه افعال مفرد (is و was) استفاده کنید:

There **is** some **tea** in the cup. مقداری چای در فنجان وجود دارد.

● ولی بعد از صفات کمتی بالا (ستون دوم) و اعداد بیش از یک (two , three , ...), از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع (are و were) استفاده کنید:

There **are** some **apples** in the basket. تعدادی سیب در سبد وجود دارد.

البته بعد از (a , an و one), فقط از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد (is و was) استفاده کنید:

There **is** one / an **apple** in the basket. یک سیب در سبد وجود دارد.

● اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی شوند ولی برای شمردن آن ها می توانید از واحدهای زیر استفاده کنید:

bottle	بطری	two bottles of water / milk	دو بطری آب / شیر
cup	فنجان	four cups of tea / coffee	چهار فنجان چای / قهوه
glass	لیوان	some glasses of water / milk / juice	تعدادی لیوان آب / شیر / آب میوه
bag	کیسه	many bags of rice / sugar	تعداد زیادی کیسه برنج / شکر
kilo	کیلو	ten kilos of meat	ده کیلو گوشت
slice	تکه، قطعه، برش	a slice of cake / pizza	یک برش پیتزا / کیک
piece	تکه، قطعه، برش	few pieces of cake / pizza	تعداد کمی برش کیک / پیتزا
loaf	قرص (نان)	a few loaves of bread	تعدادی قرص نان

● از این واحدها برای اسامی قابل شمارش هم می‌توانید استفاده کنید.

I bought four kilos of **potatoes** and two kilos of **sugar**.

چهار کیلو سیب زمینی و دو کیلو شکر خریدم.

A. Read the following texts.

متن‌های زیر را بخوانید.

An endangered language is a language that has very few speakers.

شپیکرز فیو وری هز دت لنگوایج ایز لنگوایج اِن دَنجَرِد اَن
یک زبان در معرض خطر زبانی است که گویشوران خیلی کمی دارد.

Nowadays, many languages are losing their native speakers.

شپیکرز نی تیو ذیر لوزینگ آر لنگوایجز مِنی نوادیز
امروزه، تعداد زیادی زبان دارند گویشوران بومی خود را از دست می‌دهند.

When a language dies, the knowledge and culture disappear with it.

ایت ویث دیس اییِر کالچر اَنَد نالِیج ذِ دایز لنگوایج اِ وِن
وقتی یک زبان از بین می‌رود، دانش و فرهنگ با آن از بین می‌رود.

A lot of endangered languages are in Australia and South America.

اِم ریکا سَوْت اَنَد آستری لیا این آر لنگوایجز اِن دَنجَرِد آو لات اِ
تعداد زیادی از زبان‌های در معرض خطر در استرالیا و آمریکای جنوبی هستند.

Some of them are in Asia and Africa.

برخی از آن‌ها در آسیا و آفریقا هستند.

The number of live languages of the world is around 7000, and many of them may

مِی دِم آو مِنی اَنَد سَوِن ثاوَزَنِد اِزَوُنَد ایز وُزَلد ذِ آو لنگوایجز لایو آو ناسِر ذِ
not exist in the future.

فیوچِر ذِ این اِگزِیست نات

تعداد زبان‌های زنده دنیا در حدود ۷۰۰۰ (زبان) است و بسیاری از آن‌ها ممکن است در آینده وجود نداشته باشند.

Many researchers are now trying to protect endangered languages.

لنگوایجز اِن دَنجَرِد پروتکت تو ترایینگ نو آر ریسِرچرز مِنی
اکنون تعداد زیادی محقق دارند سعی می‌کنند از زبان‌های در معرض خطر محافظت کنند.

This can save lots of information and cultural values of people all around the world.

وُزَلد ذِ اِزَوُنَد آل پی پِل آو وِلِیوز کالچرال اَنَد اینفُرمِیشِن آو لاتس سِیو کِن دیس
این کار می‌تواند مقدار زیادی اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی افراد سرتاسر جهان را نجات دهد.

There are many uncountable words for food in English.

اینگلیش این فود فُر وُزَدز اَن کوئِیبل مِنی آر ذر
تعداد زیادی کلمه غیر قابل شمارش برای غذا در زبان انگلیسی وجود دارد.

Native speakers often use words such as 'a bag of', 'two slices of', or 'a piece of'

آو پیس اِ آر آو سِلایسز تو آو بگ اِ از ساچ وُزَدز یوز اِفِن شپیکرز نی تیو
with uncountable nouns.

نَوونز اَن کوئِیبل ویث
گویشوران بومی اغلب کلمه‌هایی مانند «یک کیسه»، «دو برش / قاج» یا «یک برش / کله» با اسم‌های غیر قابل شمارش به کار می‌برند.

این (مسئله) موقعی اتفاق می افتد که آن ها به خرید می روند. **This usually happens when they go shopping.**

شاپینگ گت دی ون هپنز یوژلی دیس

They may ask for two bottles of water, a bag of sugar, a loaf of bread, or two

تو ار بُرد او لات ا شوگر او بگ ا واتر او باتلز تو فرآشک می دی
kilos of meat.

میت او کیلو

آن ها ممکن است دو بطری آب، یک کیسه شکر، یک قرص نان یا دو کیلو گوشت بخواهند.

In a coffee shop, they may order a cup of tea, a piece of cake, or a glass of juice.

جوس او گلس ا ار کیک او پیس ا تی او کاپ ا اُدر می دی کافی شاپ ا این
در یک کافی شاپ، آن ها ممکن است یک فنجان چای، یک برش کیک یا یک لیوان آب میوه سفارش بدهند.

If a foreign learner uses uncountable words wrongly, English speakers may not

نات می سپیکرز اینگلیش رانگلی وُردز آن کونٹیل یوزز لُزرن فارن ا ایف
understand them well.

ول ذم آندرستند

اگر یک فراگیر خارجی کلمه های غیر قابل شمارش را به اشتباه استفاده کند، انگلیسی زبان ها ممکن است آن ها را خوب درک نکنند.

So when you learn English, be very careful about this important point.

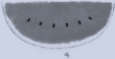
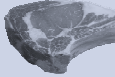
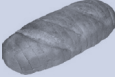
پُنت ایمپورتنت دیس اینوت کُفل وری بی اینگلیش لُزن یو ون س
بنابر این وقتی انگلیسی یاد می گیرید، خیلی مراقب این نکته مهم باشید.

Hint

Measure words with uncountable nouns

کلمات واحد اندازه گیری با اسامی غیر قابل شمارش

a bottle of او باتل ا یک بطری		two, three, ... bottles of دو، سه، ... بطری	water آب
a cup of او کاپ ا یک فنجان		two, three, ... cups of دو، سه، ... فنجان	tea, coffee چای، قهوه
a glass of او گلس ا یک لیوان		two, three, ... glasses of دو، سه، ... لیوان	water, juice آب، آب میوه
a bag of او بگ ا یک کیسه		two, three, ... bags of دو، سه، ... کیسه	rice, sugar برنج، شکر

a piece of او پیس / یک برش / ورق		two, three, ... pieces of دو، سه، ... برش / ورق	cake, paper کیک، کاغذ
a slice of او شلایس / یک قاچ		two, three, ... slices of دو، سه، ... قاچ	watermelon, banana هندوانه، موز
a kilo of او کیلو / یک کیلو		two, three, ... kilos of دو، سه، ... کیلو	meat, rice گوشت، برنج
a loaf of او لف / یک قرص		two, three, ... loaves of دو، سه، ... قرص	bread نان

نکته ۱: عدد one را قبل از اسم مفرد و اعداد بیش از یک (two, three, ...) را قبل از اسم جمع استفاده کنید.

a bicycle / one bicycle یک دوچرخه two bicycles دو دوچرخه

an apple / one apple یک سیب ten apples ده سیب

۲: اگر قبل از اسمی صفت بیاید، عدد را قبل از صفت می‌نویسیم:

two small cars دو ماشین کوچک one / a red apple یک سیب قرمز

۳: بین اعداد دوکلمه‌ای از twenty-one تا ninety-nine از هایفن (-) استفاده کنید.

۴: اعداد (hundred - thousand - million - billion) جمع نمی‌گیرند حتی اگر بعد از (two, three, ...) آمده باشند، بلکه اسم بعد از آن‌ها به شکل جمع می‌آید:

one hundred languages یک صد زبان

three thousand birds سه هزار پرنده

five million cells پنج میلیون سلول

one billion speakers یک میلیارد گویشور

two hundred languages دویست زبان

nine thousand animals نه هزار حیوان

twenty-three million trees بیست و سه میلیون درخت

seven billion people هفت میلیارد نفر

چنانچه قبل از اعداد (hundred - thousand - million - billion) عدد نیامده باشد و بعد از آن of آمده باشد و بخواهیم زیادهبودن چیزی را بیان کنیم، می توانیم از شکل جمع استفاده کنیم:

hundreds of languages

صدها زبان

millions of cells

میلیون ها سلول

thousands of animals

هزاران حیوان

billions of people

میلیاردها نفر

See Also صفحه ۳۲ و ۳۳ کتاب درسی

A. Read the examples and see numbers are used before nouns.

این مثال ها را بخوانید و ببینید چه طور اعداد قبل از اسم استفاده می شوند.

Numbers اعداد	Nouns اسم ها
one / a ۱	car ماشین
one / an ۱	apple سیب
two, three, four, five, six, seven, eight, nine, ten ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰	tables میز
eleven, twelve, thirteen, fourteen, fifteen, sixteen, seventeen, eighteen, nineteen ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹	chairs صندلی
twenty, twenty one, twenty two, ... , twenty nine ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۹	students دانش آموز
thirty, thirty one, thirty two, ... , thirty nine ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۹	trees درخت
forty, forty one, fortytwo, ... , forty nine ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۹	horses اسب
fifty, fifty one, fiftytwo, ... , fifty nine ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۹	books کتاب
sixty, sixty one, sixtytwo, ... , sixty nine ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۹	boxes جعبه
seventy, seventy one, seventy two, ... , seventy nine ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۹	children بچه
eighty, eighty one, eightytwo, ... , eighty nine ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۹	bags کیف
ninety, ninety one, ninetytwo, ... , ninety nine ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۹	men مرد
one hundred, two hundred, three hundred, ... ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰	languages زبان
one thousand, two thousand, three thousand, four thousand, ... ۱۰۰۰ ۲۰۰۰ ۳۰۰۰ ۴۰۰۰	birds پرند
one million, two million, three million, ... ۱,۰۰۰,۰۰۰ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ۳,۰۰۰,۰۰۰	cells سلول
one billion, two billion, three billion, ... ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	dollars دلار

B. Read the examples and see how numbers are used before adjective + nouns.

مثال‌های زیر را بخوانید و ببینید چه‌طور اعداد قبل از (اسم + صفت) به کار می‌روند.

Numbers	اعداد	Adjectives	صفت‌ها	Nouns	اسم‌ها
a / an		small		car	یک ماشین کوچک
a / one		red		apple	یک سیب قرمز
an / one		interesting		movie	یک فیلم جالب
two. ... nintynine		beautiful		trees	دو درخت زیبا
two hundred. ... then bilion		Canadian		dollars	دویست دلار کانادا

Writing صفحه ۳۷ تا ۴۵ کتاب درسی

Hint

Remember that the 'subject' of a sentence is a 'noun' (any person, place, or thing) or a pronoun.

A pronoun is simply a word like (I, we, he, she, it, you, or they) used in place of a noun.

به یاد داشته باشید که فاعل یک جمله، یک اسم (شخص، مکان یا شی) یا یک ضمیر است. یک ضمیر فقط یک کلمه مانند (من، ما، او، آن، تو، یا آن‌ها) است که به جای اسم به کار می‌رود.

Hint

As you see, a sentence begins with a capital letter and ends with a period.

همان‌طور که می‌بینید، یک جمله با حرف بزرگ شروع می‌شود و به نقطه ختم می‌شود.

Hint

A simple sentence can also have an **object**. An object is a noun that receives an action.

یک جمله ساده هم‌چنین می‌تواند یک مفعول داشته باشد. یک مفعول اسمی است که دریافت‌کننده عملی است.

Hint

You can find an object by asking yourself 'who' or 'what' is receiving the action in a sentence.

با پرسیدن از خودتان که «چه کسی» یا «چه چیزی» آن عمل را در جمله دریافت می‌کند، می‌توانید مفعول را پیدا کنید.

A simple sentence can also have additional information mostly in the forms of 'adverbs of place, time and manner'.

یک جمله ساده هم‌چنین می‌تواند اطلاعات اضافی غالباً به شکل قیدهای مکان، زمان و حالت داشته باشد.

Ali will have an exam next week.

علی هفته بعد امتحان خواهد داشت.

فعل فاعل مفعول قید زمان

Zahra studies English at school.

زهرا در مدرسه انگلیسی می‌خواند.

قید مکان مفعول فعل فاعل

Yesterday, I saw my teacher in the street.

دیروز، من معلم را در خیابان دیدم.

قید مکان مفعول فعل فاعل قید زمان

We usually visit our grandmother on Fridays. ما معمولاً جمعه‌ها به دیدن مادر بزرگمان می‌رویم.

قید زمان مفعول فعل قید تکرار فاعل

My brother can speak French fluently. برادرم می‌تواند فرانسوی را به راحتی صحبت کند.

قید حالت مفعول فعل فاعل

بیشتر بدانیم: برخی فعل‌ها دو مفعول دارند. در این حالت، بعد از فعل، اول مفعول انسان بعد مفعول غیرانسان می‌آید.

مفعول مستقیم (غیرانسان) + مفعول غیرمستقیم (انسان) + فعل متعدی + فاعل

My father bought Sina some pens.

پدرم برای سينا تعدادی خودکار خرید.

مفعول مفعول فعل فاعل

Helen gave me a storybook.

هلن یک کتاب داستان به من داد.

ولی اگر بخواهید اول مفعول غیرانسان، بعد مفعول انسان بیاورید، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (for یا to) استفاده کنید.

مفعول غیرمستقیم (انسان) + for / to + مفعول مستقیم (غیرانسان) + فعل متعدی + فاعل

My father bought some pens for Sina.

پدرم برای سينا تعدادی خودکار خرید.

مفعول حرف اضافه مفعول فعل فاعل

Helen gave a storybook to me.

هلن یک کتاب داستان به من داد.

● انواع قیدها را به صورت زیر در جمله استفاده کنید:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل متعدی + قید تکرار + فاعل

Her sister often studies English carefully in the library on Sundays.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل اصلی قید تکرار فاعل

خواهرش اغلب یکشنبه‌ها در کتابخانه با دقت انگلیسی می‌خواند.

● قید زمان را می‌توان در ابتدای جمله نیز آورد:

Yesterday, we saw our teacher in the street. دیروز، ما معلممان را در خیابان دیدیم.

قید مکان مفعول فعل فاعل قید زمان

Lesson 2

صفحه ۶۴ تا ۶۷ کتاب درسی

زمان حال کامل (ماضی نقلی) Present Perfect

● ماضی نقلی برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته و یا اثر آن را در زمان حال می‌بینیم.

Reza **has studied** English for 2 hours. رضا به مدت ۲ ساعت انگلیسی مطالعه کرده است.

ساختار فعل ماضی نقلی: **have / has + قسمت سوم فعل (pp)**

● فعل ماضی نقلی (رفتن) که در فارسی به صورت (رفته‌ام / رفته‌ای / رفته است / رفته‌ایم / رفته‌اید / رفته‌اند) صرف می‌شود، در انگلیسی به صورت زیر است:

I / You / We / They **have gone**. من رفته‌ام / تو رفته‌ای / ما رفته‌ایم / آن‌ها رفته‌اند.

He / She / It **has gone**. او / او / آن رفته است.

● شکل مخفف have و has به صورت (’ve و ’s) است. بعد از فاعل سوم شخص مفرد (He / She / It / Mina / Reza) و بعد از فاعل غیر سوم شخص مفرد (I / You / We / They / Mina and Reza) از have استفاده کنید.

من رفته‌ام / تو رفته‌ای / ما رفته‌ایم / آن‌ها رفته‌اند. I’ve / You’ve / We’ve / They’ve gone.

او / او / آن رفته است. He’s / She’s / It’s gone.

● pp (past participle) به معنی صفت مفعولی همان قسمت سوم فعل است که در مورد افعال باقاعده، مثل گذشته ساده، با اضافه کردن ed یا d به شکل ساده فعل ساخته می‌شود ولی در مورد افعال بی‌قاعده باید با استفاده از جدول افعال بی‌قاعده انتهای کتاب آن‌ها را حفظ کنید.

افعال باقاعده	clean → cleaned	live → lived	study → studied
افعال بی‌قاعده	go → gone	buy → bought	put → put

● یک مثال از فعل باقاعده wash:

They **have washed** the car. آن‌ها ماشین را شسته‌اند.

● یک مثال از فعل بی‌قاعده write:

He **has written** a letter. او یک نامه نوشته است.

● برای منفی کردن، بعد از فعل have یا has، (not) یا شکل مخفف آن، (n’t) را می‌آوریم. در پاسخ کوتاه حتماً از شکل مخفف استفاده کنید.

● برای سؤالی کردن، فعل have یا has را به ابتدای جمله می‌آوریم.

Have they washed the car? آیا آن‌ها ماشین را شسته‌اند؟

Yes, they **have**. They **have washed** the car. بله، شسته‌اند. آن‌ها ماشین را شسته‌اند.

(No, they **haven’t**. They **haven’t (have not washed** the car. نه، نسته‌اند. آن‌ها ماشین را نسته‌اند.

Has he written a letter? آیا او یک نامه نوشته است؟

Yes, he **has**. He **has written** a letter. بله، نوشته است. او یک نامه نوشته است.

نه، ننوشته است. او یک نامه ننوشته است.

No, he **hasn't**. He **hasn't** (has not) written a letter.

● قیدهای زمان و نشانه‌هایی که با ماضی نقلی به کار می‌روند:

recently اخیراً	ever تاکنون	yet هنوز	for + زمان طول زمان	since + زمان مبدأ زمان
-----------------	-------------	----------	---------------------	------------------------

1 ● since مبدأ زمان و نقطه شروع در گذشته را نشان می‌دهد ولی for طول زمان را نشان می‌دهد. تصور کنید امیر از سال ۱۳۹۰ در بانک استخدام شده و الان که سال ۱۴۰۲ است هنوز دارد کار می‌کند. این را می‌توانیم به دو صورت نشان بدهیم:

Amir **has worked** in a bank **since 1390 / since 12 years ago**

امیر از سال ۱۳۹۰ / از ۱۲ سال قبل دارد در بانک کار می‌کند.

Amir **has worked** in a bank **for 12 years**.

او به مدت ۱۲ سال در بانک کار کرده است.

● for و since را با هم مقایسه کنید:

since	yesterday	از دیروز
	three days ago	از سه روز قبل
	last week	از هفته گذشته
	Monday	از دوشنبه
	September	از ماه سپتامبر
	4 o'clock	از ساعت ۴
	1970	از سال ۱۹۷۰
	twenty minutes ago	از ۲۰ دقیقه قبل
	I was ten years old	از وقتی ده سال داشتم

for	a day	به مدت یک روز
	three days	به مدت سه روز
	the last week	در طول هفته گذشته
	2 weeks	به مدت دو هفته
	a few months	به مدت چند ماه
	4 hours	به مدت ۴ ساعت
	many years	به مدت سال‌های زیادی
	twenty minutes	به مدت ۲۰ دقیقه
	a long time	به مدت زیادی

همان طور که در جدول صفحه قبل می بینید، بعد از **since**، اسم، عبارت یا جمله می آید. فعل جمله بعد از **since**، باید گذشته ساده باشد:

David **hasn't telephoned** since he **left** home at three o'clock.

از وقتی دیوید ساعت سه خانه را ترک کرد، تلفن نکرده است.

❷ قید زمان **yet** (هنوز) در انتهای جمله سؤالی و منفی با ماضی نقلی به کار می رود:

A: **Have you finished** your homework **yet**? آیا هنوز تکالیفت را تمام نکرده ای؟

B: No, not yet. I **haven't finished** yet. نه، هنوز نه. هنوز تمام نکرده ام.

❸ قید زمان **ever** (تاکنون) در جمله سؤالی و **never** (هرگز) در جمله خبری با ماضی نقلی به کار می روند.

A: **Have you ever been** to London? آیا تاکنون به لندن رفته اید؟

B: No, I've **never been** there. نه، من هرگز به آنجا نرفته ام.

❹ قید زمان **recently** (اخیراً) با ماضی نقلی به کار می رود.

I **have talked** to Anna **recently**. اخیراً با آنا صحبت کرده ام.

Has Mina seen Tim **recently**? آیا امیرآمینا تیم را دیده است؟

❺ فعل ماضی نقلی را به همراه **ever** به صورت (قسمت سوم فعل + **ever** + **has** / **have**) در انتهای جمله با صفت عالی به کار ببرید:

That was the most interesting story (that) I **have ever read**.

آن پالربترین داستانی بود که تا به حال خوانده ام.

I think it's the worst film I've **ever seen**. فکر می کنم آن بدترین فیلمی است که تا به حال دیده ام.

● تفاوت گذشته ساده و ماضی نقلی:

برای بیان عملی که در گذشته معینی تمام شده باشد از گذشته ساده استفاده کنید ولی برای عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه دارد یا اثرش را در زمان حال می بینیم از ماضی نقلی استفاده کنید. به عبارتی ماضی نقلی با زمان حال در ارتباط است ولی زمان گذشته در گذشته تمام شده است.

در جمله اول تد کلیدش را گم کرده و الان کلید ندارد، یعنی عمل گم شدن کلید در زمان حال ادامه دارد. ولی در جمله دوم تد کلیدش را گم کرد و دیروز آن را پیدا کرد یعنی عمل گم شدن کلید در گذشته تمام شده است.

1. Ted **has lost** his key. He can't find it. او نمی تواند آن را پیدا کند.

2. Ted **lost** his key last week. He found it yesterday.

تد هفته گذشته کلیدش را گم کرد. او دیروز آن را پیدا کرد.

● دو نکته خارج از کتاب:

❶ قید زمان **already** (قبلاً) در جمله مثبت و قبل از فعل اصلی با ماضی نقلی به کار می رود.

A: Do you want to see this movie? آیا شما می خواهید این فیلم را ببینید؟

B: No, I've **already seen** it three times. نه، من آن را قبلاً سه بار دیده ام.

❷ اگر بخواهید عبارت (طول زمان + **for**) یا (مبدأ زمان + **since**) را مورد سؤال قرار بدهید، از کلمه پرسشی **How long** به معنی (چه مدت) استفاده کنید.

A: **How long** has he lived in Tehran? او چه مدت در تهران زندگی کرده است؟

B: He has lived in Tehran since 1390 / for 6 years.

او از سال ۱۳۹۰ / به مدت ۶ سال در تهران زندگی کرده است.

● یادگرفتن نکتهٔ جالب زیر هم خالی از لطف نیست:

دو جملهٔ زیر را با هم مقایسه کنید:

He **has gone** to Paris.

او به پاریس رفته است. (او الان در پاریس است.)

He **has been** to Paris.

او به پاریس رفته است. (او قبلاً به پاریس رفته و برگشته است.)

A. Read the following texts.

متن‌های زیر را بخوانید.

Technology **has influenced** the lives of people in this century.

سینچری دیس این پی پلی آو لایوز ذ این فلورانست هز تکنالجی
فناوری در این قرن زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است.

Working with computers and mobile phones **has changed** people's habits and lifestyles.

لایف‌ستایلز آند هبیتز پی‌پلز چینجد هز فنز موبل آند کمپیوتیز ویث وُرکینگ
کارکردن با کامپیوتر و تلفن همراه، عادت و سبک زندگی افراد را تغییر داده است.

Some people use their laptops and especially their mobile phones everywhere

اوریور فنز موبل ذر سپشلی آند لپ‌تاپس ذر یوز پی‌پل سام
بعضی از افراد بی‌فود و پی‌فود از لپ‌تاپ و به فموس تلفن همراه فود استفاده می‌کنند
for no good reason.

Some of them **have not read** a book for months.
بعضی از آن‌ها ماه‌ها است که کتابی را نخوانده‌اند.
مائنر فر بوک ا رید نات هُو ذم آو سام

Some **have not visited** their relatives for a long time.

تایم لانگ ا فر ریلی‌تیوز ذر ویزیٹ نات هُو سام
برخی مدتی طولانی است که از بستگان فود دیدن نکرده‌اند.

Some even **have not slept well or have not eaten properly** for a long time.

تایم لانگ ا فر پراپری ایتن نات هُو اُر ول سلپت نات هُو ایون سام
برخی حتی مدت طولانی است که فوب ن‌فوابیده‌اند یا درست و فسابی غذا نفورده‌اند.

Some of these people **have quit** good habits like doing daily exercises or attending

اِندینگ اُر اِکسرسایز دِیلی دوینگ لایک هبیتس گود کویت هُو پی‌پل دیس آف سام
social events.
ایونٹس سُشل

برخی از این افراد عادت‌های فوب مانند انجام ورزش روزانه یا شرکت در رویدادهای اجتماعی را ترک کرده‌اند.

They **have chosen** an unhealthy lifestyle.
آن‌ها سبک زندگی ناسالمی را انتخاب کرده‌اند.

لایف‌ستایل آن‌هلیثی آن چُن هُو ذی

To live longer, they need to rethink the way they live, work, and use technology.

تکنالجی یوز آند وُرک لایو ذی وی ذ ری‌ثینک تو نید ذی لانگر لیو تو
برای بیشتر عمرکردن، آن‌ها باید در مورد طرز زندگی، کار و استفاده از فناوری فود، تهدید نظر کنند.

Technology **has helped** the researchers and scientists of our time.

تایم اُور آو ساینٹیتس آند ریسرچز ذ هلیٹ هز تکنالجی
فناوری به محققان و دانشمندان زمان ما کمک کرده است.

New medicines and medical inventions **have saved** the lives of many people.

پی‌پل منی آو لایوز ذ سیود هُو اینونشنز مدیکال آند مدسنز نیو
داروهای جدید و اختراعات پزشکی، جان بسیاری از مردم را نجات داده است.

They **have let** people have a happy life and live longer.

لانگر لایو اند لایف هپی ا هُو پی پل لِت هُو ذی

آن ها به مردم این امکان را داده است که زندگی شادی داشته باشند و بیشتر عمر کنند.

New medicines such as anti-cancer drugs and new antibiotics **have cured** many patients.

پی شنتس مینی کیوژد هُو آنتی-بایوتیکس نیو آند دراگز آنتی - کانسر آز ساج مدسینز نیو

داروهای جدید مانند داروهای ضد سرطان و آنتی بیوتیک های جدید، بیماران زیادی را درمان کرده است.

Some technological inventions **have helped** doctors to check people's health condition.

کندیشن هِلث پی پلز چک تو داکترز هِلث هُو اینونشنز تیکنالوجی کال سام

برقی از اختراعات فناوری به پزشکان کمک کرده اند تا وضعیت سلامتی افراد را بررسی کنند.

They **have found** keys to the secrets of the human body.

بادی هیومن ذِ او سیکرٹس ذِ تو کیز فؤند هُو ذی

آن ها کلیدهایی برای رازهای بدن انسان کشف کرده اند.

New technologies **have helped** doctors to understand how diseases develop.

دی ولوپ دیزیزز هُو آندرسند تو داکترز هِلث هُو تیکنالیز نیو

فناوری های جدید به پزشکان کمک کرده است تا بدانند که چگونه بیماری ها به وجود می آیند.

They **have found** ways to fight and stop diseases in their early stages.

سُتینجز اِری ذِیر این دیزیزز سٹاپ آند فایت تو وِیز فؤند هُو ذی

آن ها شیوه هایی برای مبارزه و جلوگیری از بیماری ها در مراحل اولیه فود پیدا کرده اند.

Technology, as some people may think, is not a bad thing at all.

آل اَت تینگ بَد اِ نات ایز تینگ می پی پل سام از تیکنالیز

فناوری، همان گونه که برخی از افراد ممکن است فکر کنند، اصلاً چیز بدی نیست.

The way we use technology, is important. شیوه ای که ما از فناوری استفاده می کنیم، مهم است.

ایمپورٹنٹ ایز تیکنالیز یوز وی وی ذِ

See Also صفحه ۶۸ کتاب درسی

Phrasal verbs (افعال مرکب)

افعال مرکب افعالی هستند که از دو قسمت (جزء قیدی + فعل) تشکیل شده اند.

wake

فعل

up

جزء قیدی

بیدار کردن، بیدار شدن

Write صفحه های ۷۲ تا ۷۷ کتاب درسی

Gerund (اسم مصدر)

● **Cycling** is good exercise.

دوچرخه سواری ورزش خوبی است.

● Vahid enjoys **cycling**.

وهِید از دوچرخه سواری لذت می برد.

A gerund is a (verb + -ing) that works like a noun. A gerund can be a subject or an object in a sentence.

اسم مصدر (ing + فعل) است که مثل یک اسم عمل می کند. یک اسم مصدر می تواند در جمله فاعل یا مفعول باشد.

Gerund as Subject (اسم مصدر به عنوان فاعل)

● **Swimming** is useful for everyone.

شنا برای همه مفید است.

● **Reading** helps us learn English.

فوائدن به ما کمک می‌کند انگلیسی یاد بگیریم.

A gerund is always singular. When one gerund is the subject of a sentence, it takes a singular verb.

اسم مصدر همیشه مفرد است. وقتی یک اسم مصدر فاعل جمله باشد، بعد از آن فعل مفرد می‌آید.

● **Walking** makes me happy.

پیاده‌روی من را خوشحال می‌کند.

But when two gerunds form the subject, the verb is plural.

اما وقتی دو اسم مصدر، فاعل جمله را تشکیل می‌دهد، بعد از آن‌ها فعل جمع می‌آید.

● **Cycling and jogging** are my favorite sports.

دو پرفه سواری و آهسته دویدن ورزش‌های مورد علاقه من هستند.

Sometimes a noun follows a gerund:

گاهی اوقات بعد از اسم مصدر، یک اسم می‌آید.

● **Playing** football was his fun.

فوتبال بازی کردن سرگرمی او بود.

● **Taking** photos is her hobby.

عکس گرفتن سرگرمی او است.

● **Learning** a language takes time.

یاد گرفتن یک زبان زمان می‌برد.

Hint

In notices, you often see **NO** before -ing forms. It means that it is forbidden here. For example, **NO FISHING** means "Fishing is forbidden".

در تابلوها، اغلب **NO** را قبل از شکل **ing** (اسم مصدر) می‌بینیم. این بدان معنی است که آن کار در این جا ممنوع است. برای مثال، **NO FISHING** یعنی «ماهیگیری ممنوع».



ماهیگیری ممنوع



استعمال دخانیات ممنوع



پارک ممنوع

Gerund as Object (اسم مصدر به عنوان مفعول)

● I enjoy **swimming**.

من از شنا لذت می‌برم.

● Maryam loves **reading**.

مریم فوائدن را دوست دارد.

● We can use a gerund after the following verbs:

ما می‌توانیم بعد از فعل‌های زیر از اسم مصدر استفاده کنیم.

enjoy (لذت بردن) finish (تمام کردن) give up (دست کشیدن از)

imagine (تصور کردن) keep on (ادامه دادن) practice (تمرین کردن)

quit (دست کشیدن از) love (دوست داشتن، عاشق ... بودن)

We usually use (go + a gerund) to describe recreational activities.

ما معمولاً از (اسم مصدر + go) برای توصیف فعالیت‌های تفریحی استفاده می‌کنیم.

● Let's go shopping.

بیا برویم خرید.

● Yesterday, we went biking.

دیروز، ما دوپرفه سواری کردیم.

Here are some common examples:

go fishing (به ماهیگیری رفتن) go skating (به اسکیت بازی رفتن) go sailing (به قایق‌رانی رفتن)

go skiing (به اسکی رفتن) go jogging (آهسته دویدن) go running (به دویدن رفتن)

go swimming (به شنا رفتن)

Hint

اسم مصدر را با حال استمراری اشتباه نگیرید.

Do not confuse a 'gerund' with the present progressive.

● Maryam's favorite hobby is writing poems.

سرگرمی مورد علاقهٔ مریم نوشتن شعر است.

اسم مصدر

● Maryam is writing an email now.

مریم الان دارد ایمیل می‌نویسد.

فعل حال استمراری

Gerunds as prepositions (اسم مصدر بعد از حروف اضافه)

Prepositions are words such as **at**, **by**, **for**, **against**, **after**, **about**, **on**, **in**, **with**, **without** and so on.

حرف اضافه‌ها کلماتی از قبیل **at** (در)، **by** (با)، **for** (برای)، **against** (در برابر، بر علیه)، **after** (بعد از)، **about** (در مورد)، **on** (در)، **in** (در)، **with** (با)، **without** (بدون) و غیره هستند.

Here are some common examples of (prepositions + gerunds):

در این جا تعدادی مثال متداول از (اسم مصدر + حروف اضافه) ارائه شده است:

● Parastoo is good at **speaking** and **writing** German.

پرستو در صحبت کردن و نوشتن آلمانی مهارت دارد.

● Alice is interested in **playing** tennis.

آلیس به تنیس بازی کردن علاقه دارد.

● What do you think about **living** in a village?

در مورد زندگی کردن در روستا چه فکر می‌کنی؟

● Nancy and Margaret have plans for **doing** their homework soon.

نانسی و مارگرت به زودی برای انجام دادن تکالیفشان برنامه دارند.

● I am tired of **washing** the dishes.

من از شستن ظرف‌ها خسته‌ام.

Lesson 3

Grammar صفحه‌های ۹۵ تا ۹۷ کتاب درسی

جملات شرطی (شرطی نوع اول) Conditional Sentences

- وقتی می‌خواهید شرطی را مطرح کنید که انجام آن در آینده امکان‌پذیر باشد، از جمله شرطی نوع اول به صورت زیر استفاده کنید:

حال ساده	آینده ساده
If ,	
جمله شرط	جواب شرط

If you study hard, you will pass the exams.

حال ساده

آینده ساده

اگر سفت درس بخوانی، در امتحانات قبول خواهی شد.

If you don't study hard, you won't pass the exams.

حال ساده

آینده ساده

اگر سفت درس نخوانی، در امتحانات قبول نخواهی شد.

- جمله شرطی از دو قسمت تشکیل شده است:

۱) جمله شرط: جمله‌ای است که با if شروع می‌شود و فعلش حال ساده است.

مثالی از فعل study: study - studies - don't study - doesn't study در زمان حال ساده

۲) جمله جواب شرط: جمله‌ای است که با if شروع نمی‌شود و فعلش، آینده ساده یا فعل مُدال

(وجهی) است.

(شکل ساده فعل + will/can/may/should): فعل آینده و وجهی

مثالی از فعل pass در زمان آینده ساده: will pass - will not pass (won't pass)

فعل مُدال: can / may pass - cannot (can't) / may not pass

- جای جمله شرط و جواب شرط را می‌توان عوض کرد. دقت کنید که در این حالت دیگر به ویرگول نیاز نداریم:

آینده ساده	حال ساده
..... if	
جواب شرط	جمله شرط

You will pass the exams if you study hard.

آینده ساده

حال ساده

اگر سفت درس بخوانی، در امتحانات قبول خواهی شد.

- برای سؤالی کردن، جمله جواب شرط (یعنی جمله‌ای که will دارد) را سؤالی می‌کنیم:

I will buy a bicycle if I have \$100.

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشم، یک دوچرخه می‌خرم.

Will you buy a bicycle if you have \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی، یک دوچرخه می‌فری؟

What **will** you **buy** if you **have** \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی، چی می‌خری؟

What **will** you **do** if you **have** \$100?

اگر ۱۰۰ دلار داشته باشی، چه کار می‌کنی؟

A. Read the following text.

متن زیر را بخوانید.

Our neighbor is a craftsman.

همسایه ما یک صنعتگر است.

کرفتس‌من ایز نی پر اور

I love his beautiful artworks.

من عاشق آثار هنری زیبای او هستم.

آرت‌وُزکس بیوتیفُل هیز لاو آی

Whenever I see his works, I say to myself, "when I grow up, I will become an

آن بیکام ویل آی آپ گرو آی وِن مای سِلَف تو سی آی وُزکس هیز سی آی وِن اور
«هر وقت که آثارش را می‌بینم، به خودم می‌گویم: «وقتی بزرگ شوم، مثل او یک هنرمند فوادم شد».

artist like him".

One day he told me: "Amir, are you really interested in art?"

آرت این اینترستِد ریلی یو آر امیر می تَلَد هی دِی وان
یک روز او به من گفت: «امیر، آیا تو واقعاً به هنر علاقه داری؟»

If you enjoy art, you will become a good artist.

اگر از هنر لذت می‌بری، یک هنرمند فوادم شو.

Most people like art, but some do not understand it.

آرتیست گود ا بیکام ویل یو آرت اینجوی یو ایف
ایست آندرسند نات دو سام بات آرت لایک پی پِل مُست
اکثر مردم هنر را دوست دارند اما برخی آن را درک نمی‌کنند.

If you do not see any special thing in a pottery, you won't appreciate its value.

ولیو ایٹس اپری شی ایت وُنت یو پاتری ا این ٹینگ سپشل اینی سی نات دو یو ایف
اگر تو هیچ چیز خاصی در ظروف سفالی نمی‌بینی، ارزش آن را درک نفوادمی کرد.

If you do not appreciate the value of art, you cannot become a successful artist.

آرتیست سکسیس فوُل ا بیکام کن نات یو آرت او ولیو دِ اپری شی ایت نات دو یو ایف
اگر ارزش هنر را درک نکنی، نمی‌توانی یک هنرمند موفق شوی.

You will just make things.

تو فقط اشیایی را فوادمی ساخت.

If you really like art, you will need two things in the future: education and experience.

اِکسپیریئنس آند اجوکیشن فیوچر دِ این ٹینگز تو نید ویل یو آرت لایک ریلی یو ایف
اگر واقعاً هنر را دوست داشته باشی، در آینده به دو چیز نیاز فوادمی داشت: آموزش و تجربه.

Study hard, work hard, and create things to make people happy.

هَپی پی پِل میک تو ٹینگز کری ایت اند هارد ورک هارد ستادی
سفت درس بفوان، سفت کار کن، و برای فوشال کردن مردم، چیزهایی را به وجود بیاور (خلق کن).

See Also صفحه ۹۸ کتاب درسی

صفت مفعولی Past Participle

● صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند.

My sister is interested in novels.

فوادمم به رمان علاقه دارد.

صفت فعل ربطی

- صفت مفعولی با اضافه کردن (ed) به فعل ساده ساخته می‌شود و در جمله، قبل از اسم یا بعد از افعال ربطی می‌آید.
افعال ربطی زیر را یاد بگیرید:

فعل ربطی			
be (am/is/are/was/were)	بودن	feel	احساسی ... کردن
become	شدن	look	به نظر رسیدن
get, grow	شدن	seem	به نظر رسیدن

صفت فاعلی		صفت مفعولی	
amused	سرگرم	surprised	شگفت‌زده، متعجب
confused	گیج	shocked	شوکه
bored	کسل، خسته	frightened	ترسیده
interested	علاقه‌مند	tired	خسته
excited	هیجان‌زده	depressed	افسرده، غمگین

Amir **is bored** with his present job. امیر از کار فعلی‌اش خسته است.

جواب پرزنت هیز ویث بُرد ایز امیر

Mina **got amused** by the story. مینا از داستان خوشش آمد.

ستوری دِ بای امیوزد گات مینا

I'm totally confused. Would you please explain it again?

اِگن ایت اکسپلین پلِیز یو وُد کِن فیوزد توتلی اِیم
من کاملاً گیج شدم. ممکنه لطفاً آن را دوباره توضیح دهید؟

He often **gets depressed** about his weight. او اغلب در مورد وزنش افسرده می‌شود.

ویت هیز اِیوُت دِیپ‌رست گِشس اِفن هی

I'm so excited that we're going to Yazd. من از این‌که داریم به یزد می‌رویم، خیلی هیجان‌زده هستم.

یزد تو گوئینگ وِیر دَت اِکسایتِد سُ اِیم

To tell the truth, I **was frightened** to death. راستش را بخواهی، من خیلی ترسیدم.

دِث تو فرایتند واز آی تروث دِ تِل تو

I've always **been interested** in football. من همیشه به فوتبال علاقه‌مند بوده‌ام.

فوتبال این اینترستِد بین آلویز اِیو

They **were** greatly **surprised** at the news. آن‌ها از آن خبر خیلی شگفت‌زده شدند.

نیوز دِ اَت سپرایزد گریتلی وِر دِی

I'm tired of watching television; let's go for a walk.

واک ا فر گ لٹس تلویژن واپینگ او تایزد ایم

من از تماشای تلویزیون خسته ام؛ بیا به پیاده روی برویم.

Writing صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۵ کتاب درسی

Hint

We make negative infinitives with **not + to + verb**.

مصدر را به صورت (فعل ساده + to + not). منفی می‌کنیم

● I told the children **not to make** so much noise. من به بچه‌ها گفتم که خیلی زیاد سروصدا نکنند

● My dad tries **not to forget** the phone numbers. بابا ام سعی می‌کند که شماره تلفن‌ها را فراموش نکند

We can use infinitives after some adjectives.

بعد از برخی صفت‌ها می‌توانیم از مصدر با to استفاده کنیم.

● She became happy **to see** her classmate after ten years.

او خوشحال شد که بعد از ده سال همکلاسی اش را می‌بیند

● Ali was really sad **to leave** us soon

علی واقعاً ناراحت بود که زود ما را ترک می‌کند.

Gerunds اسم مصدرها

Infinitives مصدرهای با to

/making / using / selling
producing / painting / reflecting

to name / to help / to know